

نابودی تنوع زیستی و مهاجرت جمعی با تعلق در آبرسانی به تالاب‌ها

سال ۱۹۷۱ ایران میزان تنهستی بود که در آن معاهده‌ای بین‌المللی برای حفاظت از تالاب‌های جهان به امضا رسید و جهان را ملزم به حفاظت و نگهداری تالاب‌ها کرد. این معاهده به کنوانسیون رامسر شهرت یافت. حالا اما وضعیت تالاب‌های ایران به‌دلیل نرسیدن آب کافی و خیم گزارش شده و برخی از مهم‌ترین تالاب‌های ایران به‌دلیل نرسیدن حقایبه، به بیابان لم یزرع، کانسون برفراوختن ریزگردها و خشکدگی سرزمین را تشدید کرده است. نرسیدن حقایبه کافی به تالاب‌ها سالیان متمادی است که تبدیل به اختلاف بین وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط‌زیست شده است اما هریار به پهنانه اولویت دادن به تامین آب شرب و آب کشاورزی، حقایبه تالاب‌ها فراموش می‌شود و هریار سازمان حفاظت محیط‌زیست به وزارت نیرو اعتراض می‌کند و وزارت نیرو هم در پاسخ تامین آب شرب و کشاورزی را در اولویت می‌داند. این داستان بیش از ۲دهه است که ادامه دارد و هریار تالاب دیگری می‌خشکد و تالاب‌های مهم از دست می‌رود. نتیجه این خشکدگی البته به مهاجرت جمعی ساکنان در همسایگی تالاب‌های مهم و بزرگ کشور نیز نظیر آنچه در سیستان و بلوچستان رخ داده است، منجر شده است. اما اختلاف در تامین حقایبه تالاب‌ها هنوز پس از سالیان متمادی، بین وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط‌زیست برقرار است. نتیجه این ناتوانی در تصمیم‌گیری برای نخشکیدن تالاب‌ها بین رفتن تنوع زیستی در بسیاری از مناطق کشور، مهاجرت گونه‌های جانوری و حتی مرگ آنها به‌دلیل خشکدگی تالاب‌ها و جابه‌جایی جمعیتی ناشی از خشکدگی تالاب‌ها شده است.



سر نوشت مبهم «شفافیت»

طرح شفافیت را باید یکی از مهم‌ترین نموده‌های «تعلل مسئولان در تصمیم‌گیری» در حوزه سیاسی به‌شمار آورد؛ طرحی که یکی از مهم‌ترین شعارهای مجلس یازدهم بود. اما همچنان به سرانجام نرسیده‌است و در انتظار تصمیم‌گیری نهایی در مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌سر می‌برد. این طرح اما در سال‌های اخیر فراز و فرودهای بسیاری را پشت‌سر گذاشته‌است. تصمیم به شفاف‌سازی آرای نمایندگان ایدهای بود که از مجلس دهم کلید خورد، اما در آن دوره سرانجامی نیافت تا اینکه با آغاز به‌کار مجلس یازدهم، دوباره در دستورکار قرار گرفت. نخستین گره تصویب این طرح در مجلس بود؛ جایی که پس از طرح در کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس، با مخالفت‌هایی از سوی برخی نمایندگان مواجه شد و برفرت‌وپرگشت‌های مکرر میان «صحن علنی» و «کمیسیون» همراه بود. طرح «شفافیت آرای نمایندگان» با همه ویژگی‌هایی که داشت و زمانی که صرف آن شده، به سرانجام نرسید تا در ادامه پیگیری‌های نمایندگان در حوزه «شفافیت»، این‌بار طرحی با عنوان «شفافیت در قوای سه‌گانه» از سوی برخی از نمایندگان، در دستورکار مجلس قرار گیرد. این طرح در کمیسیون شوراها بررسی و تصویب شد و دستگاه‌های مختلف، را به‌جز در موارد امنیتی و اطلاعاتی، به «شفاف‌سازی» ملزم می‌کرد. طرح شفافیت در قوای سه‌گانه پس از تصویب در صحن علنی، به شورای نگهبان ارسال شده، اما تا توجه به ایرادهای این شورا، برای اصلاح به مجلس بازگشت. این طرح در ادامه ۴بار دیگر میان مجلس و شورای نگهبان دست‌به‌دست شد تا اینکه در روزهای میانی اسفندماه ۱۴۰۱ اعلام شد ایرادهای مجمع به طرح همچنان باقی‌است و صحن مجمع باید درباره اختلاف‌نظر مجلس و هیأت‌عالی نظارت مجمع تعیین تکلیف کند. اما گره‌های «شفافیت» همچنان ناگشوده مانده و سر نوشت این طرح را با هاله‌ای از ابهام مواجه کرده، موضعی که اتخاذ یک راه‌برد مشخص و منسجم در حوزه شفافیت را با چالش مواجه کرده‌است.



یرونده ویژه



عکس: شهرداری اهر

قربانیان تعلل در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی

امتناع نهادهای مسئول از اتخاذ تصمیم‌های بموقع، زندگی روزمره و تأمین نیازهای اقتصادی خانوارها را در حوزه‌هایی چون خودرو، مسکن دولتی، بازار اجاره و همچنین کالابرگ و یارانه دچار چالش کرده است

گزارش

احمد میرخدایی

روزنامه‌نگار

تعلل و نقص یا امتناع نهادهای مسئول از تصمیم‌گیری بموقع، هم‌زمینه‌ساز بی‌اعتمادی است و هم‌هزینه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای جامعه و حاکمیت به‌همراه دارد؛ به‌عنوان مثال، مصوبه جدید تعیین قیمت



خودرو روی دست‌انداز قیمت‌گذاری

پس از وعده‌ووعید، یک هفته پیش نشست شورای رقابت برای تعیین قیمت خودروهای داخلی و برنامه‌ریزی برای تولید ۱۴۰۲ بر گزار شد و در شامگاه ۱۵ فروردین، به‌محض اتمام نشست اظهارات غیررسمی در مورد میزان تغییر قیمت خودروها روی خط خبری رسانه‌ها قرار گرفت. این اظهارات نه‌تنها دقیق و جامع نبود، بلکه در یک پاس کاری آشکار شورای رقابت، وزارت صنعت، معدن و تجارت را متولی اعلام قیمت‌های جدید عنوان می‌کرد و از ارسال مصوبه به این‌وزار تخانه‌خبر می‌داد. در ادامه، معاون اول رئیس‌جمهوری نسبت به قیمت‌های جدید واکنش نشان داد و محتوای آن را در سال مه‌ار تورم به صلاح ندانست. این در حالی بود که همچنان اظهارنظر برخی از اعضای شورای رقابت در مورد مصوبه قیمت خودرو ادامه داشت و البته مصوبه هنوز منتشر نشده بود. در گام بعدی، در حالی که اعتراض به قیمت‌های جدید ادامه داشت، مرجع اعلام قیمت‌ها یعنی وزارت صنعت اعلام کرد که هیچ مصوبه‌ای به‌دستور نرسیده است. بعد از این تناقض‌ها، عقابت خبر آمد که نشست برای اصلاح مصوبه و تعدیل قیمت‌ها بر گزار خواهد شد. دیروز نیز در صد افزایش قیمت برخی خودروهای داخلی را یک عضو شورای رقابت در یک گفت‌وگوی تلویزیونی اعلام کرد در حالی که قرار بود نرخ‌های جدید از طریق سایت شرکت‌های خودروساز منتشر شود. تا عصر دیروز بازار خودرو و واکنش مثبتی به قیمت‌های جدید نداشت و همچنان روند قیمت در این بازار صعودی بود. آیا بهتر نبود تصمیم‌گیری برای سر نوشت قیمت خودرو با حضور همه صاحبان نفوذ در این حوزه انجام می‌شد و نتیجه آن بی‌برده به اطلاع مردم می‌رسید تا انتظار کاهش قیمت خودرو در بازار را تعیین قیمت‌های جدید محقق شود؟



عدم قطعیت در بازار ارز

بعد از تغییر رئیس بانک مرکزی که با شعار مدیریت و ساماندهی بازار ارز وارد میدان شد، این نهاد در چندین مرحله سیاست‌های تخصصی ارز را تغییر داد. در این میان فرایند تخصیص ارز سهمیه‌ای به مردم نیز با چندان تغییر بنیادین روبه‌رو بوده که ضمن سرد گرم کردن متقاضیان، سیاست‌ها، راه را برای نشر شایعات و هیجانی شدن بازار هموار می‌کند. تصمیمات ارزی در شرایط فعلی، از یک‌سو با تغییر سیاست‌های مربوط به نرخ تخصیص ارز واردات و فرایند رفع تعهد ارزی به‌سردرگمی در حوزه تجارت خارجی منجر خواهد شد و از سوی دیگر با متغیر بودن سیاست‌ها، راه را برای نشر شایعات و هیجانی شدن بازار هموار می‌کند. این امتناع از تعیین تکلیف بازار ارز در یک چشم‌انداز مشخص، در ساده‌ترین حالت یک شهروند عادی را که متقاضی خرید ارز سهمیه‌ای است، به در دسر می‌اندازد، اما در ابعاد کلان‌تر برای بانک‌های بزرگ اقتصادی مشکل‌آفرین می‌شود که باید قراردادهای تجاری را منعقد کنند و نیازمند چشم‌انداز مشخصی از نرخ‌ها و قواعد تجارت خارجی هستند.

کارخانه‌های خودروها که قرار بود برای صنعت و بازار خودرو کشتایش گر باشد، بعد از حواشی بسیار و پاس کاری چند روزه، به جایی رسید که نه بازار به محتوای این مصوبه اعتنایی کرد و نه مردم به پیبود شرایط یا این تصمیم جدید امید می‌دارند. حداقل از تحولات بازار خودرو چنین برمی‌آید که این هدف‌گذاری، به‌دلیل تعلل بیش از حد در تصمیم‌گیری و ابلاغ نتیجه، نامحقق مانده است.

نهضت زمینگیر مسکن

در قانون هجش تولید مسکن مصوب ۱۴۰۰، مقرر شد در سال نخست اجرای این قانون ۲۰درصد تسهیلات اعطایی بانک‌ها تسقف ۳۶۰هزار میلیارد تومان به اجرای نهضت ملی مسکن اختصاص پیدا کند. اتخاذ این تصمیم بدون جلب رضایت و مشارکت نظام بانکی و توجه به تذکر کارشناسان باعث شد نهضت ملی مسکن در روند اجرا با مشکلات عمده تأمین مالی مواجه شود. در مقابل وضع کنندگان این تکلیف، معتقد به قابل‌اجرا بودن آن هستند، اما در عمل هیچ راهکاری برای اجرای آن و کمک به احداث مسکن دولتی انجام نداده‌اند. تأثیر این تعلل در تصمیم‌گیری این بود که پروژه‌های نهضت ملی مسکن زمینگیر شوند؛ در حالی که هزینه ساخت روزه‌روز در حال افزایش بوده و هزینه تمام‌شده متقاضیان را به‌شدت بالا برده است. براساس آمارهای حوزه مسکن، از زمان اجرای نهضت ملی مسکن تاکنون، بخش عمده بار مالی این نهضت بر دوش بانک تخصصی حوزه مسکن بوده و به‌جز تعداد انگشت‌شمار از بانک‌ها که مبلغ کمی برای مسکن دولتی تأمین مالی کرده‌اند، سایر بانک‌ها کلاً وارد میدان نشده‌اند و متولیان نهضت ملی ناچار به یافتن راه‌های جدید برای تأمین مالی هستند؛ آن‌هم در شرایطی که طبق آمار، هزینه ساخت در این طرح حداقل ۱۰۰درصد نسبت به زمان شروع افزایش پیدا کرده است.



بازار اجاره در نقطه کور

در دسال گذشته، اقتصاد ایران با امواج بزرگ تورمی روبه‌رو بوده و بازار اجاره به‌عنوان پناهگاه بخش بزرگی از اقشار کم‌درآمد به‌شدت از این امواج تورمی آسیب دیده‌است. در این میان، از سال ۱۳۹۷ در چندین دوره متولیان بازار مسکن در وزارت راه و شهرسازی از اجرای برنامه‌هایی برای ساماندهی بازار اجاره و قاعده‌مند کردن این بازار داده‌اند و در یکی، دو سال اخیر علاوه بر ارائه بسته‌هایی از سوی این‌وزار تخانه‌خبر برای ساماندهی بازار اجاره، مجلس نیز بارانه طرح وارد میدان شده است. اما در عمل، هیچ‌کدام از برنامه‌های ساماندهی بازار مسکن و اجاره از حد گفتار درمی‌فراتر نرفته است. در دوره کرونا نیز، اگرچه سیاست تعیین افزایش قیمت اجاره برای قراردادهای سررسید شده در پیش گرفته شد و این سیاست به‌مدت ۳سال ادامه پیدا کرد، اما برای اجرای جامع این سیاست پیگیری خاصی نشد و در نهایت، مناسبات بازار به‌سوی اجداری با موجران متمرکز ماند. ابعاد گسترده امتناع سیاست‌گذاران و متولیان برای تصمیم‌گیری سریع، کارشناسی، شفاف و کارآمد به‌منظور ساماندهی بازار اجاره وقتی مشهودتر است که به آمارهای این بازار در کلاتشرها توجه شود؛ به‌عنوان مثال در تهران، بیش از ۵۰درصد خانوارها مستاجر هستند و سهم هزینه مسکن در سبد خانوار از ۵۰درصد بیشتر شده است. در همین حال آخرین آمار بانک مرکزی از نرخ تورم اجاره در پایان پاییز ۱۴۰۱حاکم است این متغیر به‌قله تاریخی خود رسیده و نرخ تورم اجاره بدون احتساب روند قیمت‌ها در زمستان پارسال و فروردین اسمال از ۴۸درصد فراتر رفته است.

به گزارش همشهری، زندگی و کار مردم از ۴شور از تصمیم‌گیری‌های دولتی و حاکمیتی متأثر است. هر گونه تعلل، هر گونه کاری و اختلاف‌نظر مراجع در ایسن فرایند می‌تواند تأثیر نامساعدی بر برنامه‌ریزی و کیفیت کار و زندگی شهروندان بگذارد. برای این نوع اثرگذاری نمونه‌های متعددی می‌توان برشمرد که برخی همچنان مشمول فرصت‌سوزی از امتناع نهادهای مسئول از تصمیم‌گیری درست و سریع به‌سامان نرسیدند.

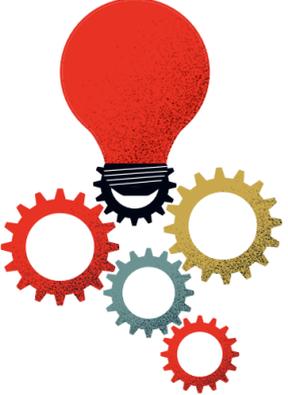


دور باطل کالابرگ و یارانه‌ها

از اواخر دهه ۸۰ که ماجرای هدفمندی یارانه‌ها مطرح و مقرر شد پارانه نقدی به‌حساب شهروندان را ریز شود، هرگز تصمیم‌گیران نتوانستند تصمیم جامعی برای اجرای درست قانون هدفمندی یارانه‌ها بگیرند و در نتیجه به‌مدت حدود ۱۲سال، هم مبلغ یارانه نقدی ثابت ماند و هم هدفمندی رشته شده بود، با افزایش قیمت‌ها پهنه شد که اکنون یکی از اجرای قانون هدفمندی موفقیت‌آمیز نبود. تعلل در تصمیم‌گیری درست در حوزه یارانه‌ها از یک‌سو به‌واسطه نسی بودن قیمت‌ها که در طرح هدفمندی رشته شده بود، با افزایش قیمت‌ها پهنه شد که اکنون یکی از ابعاد آن را می‌توان در حوزه برزین مشاهده کرد. در این میان، با تبدیل شدن یارانه‌ها به یکی از منارف بزرگ بودجه، دستکاری نظام یارانه‌ها نیز به‌درسر بزرگ‌تری برای دولت تبدیل شده و اجرای سایر طرح‌های کارشناسی به سادگی میسر نیست. طرح کالابرگ الکترونیکی که پیش‌نیاز حذف ارز ترجیحی بود، در سایه همین مسئله، حدود یک سال بلا تکلیف ماند و هنوز هم اجرای ملی آن با چالش‌هایی روبه‌روست.

بازی با حقوق و دستمزد

فارغ از تصمیمات کلانی که تعلل و امتناع در اتخاذ، ابلاغ و اجرای آنها برای مردم و کشور هزینه‌سازی می‌کند، در برخی مسائل جاری کشور نظیر بحث تعیین سالانه دستمزد و حقوق نیز امکان بروز مشکل به‌واسطه عدم قطعیت در تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، در سال گذشته تصمیم دولت برای افزایش میانگین ۱۰ درصدی حقوق کارکنان و بازنشستگان، در حالی که شکل‌گیری اعتراضات و تعدیل این تصمیم منجر شد که خود دولت به‌عنوان تصمیم‌گیر اصلی، در میانه سال نسبت به افزایش دوباره حقوق کارکنان خود اقدام کرد. در سال جاری نیز به‌نظر می‌رسد اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه در بحث حقوق و دستمزد که به نگرانی مزد و حقوق‌بگیران به‌عنوان بخش بزرگی از جامعه دامن زده است، چندان معتبر نیست و می‌تواند در صورت محقق نشدن هدف‌گذاری‌های انجام شده برای مهار تورم، با شکست مواجه شود. در این صورت، بار دیگر دولت و شورای‌عالی کار باید انرژی و زمان مضاعفی برای ترمیم دوباره حقوق و دستمزد صرف کنند؛ در حالی که نه قادر به جلب رضایت اولیه کارگران و کارمندان خواهند بود و نه می‌توانند آب رفته را به جوی برگ‌رانند و فشار ناشی از پایین بودن در یافتن خانوارها در ماه‌های اولیه سال را جبران کنند.



هم پول می‌دهیم هم محروم می‌شویم!

غائله استراماچونی نمونه آشکار سوءمدیریت در فوتبال ایران



بدون تردید یکی از پراهمیت‌ترین جنبه‌های «مدیریت» این است که بدانیم چه تصمیمی را چه وقتی باید بگیریم. گذشته از اینکه اصولاً ما در کشورمان تصمیمات غلط زیاد داریم، بعضاً حتی تصمیم درست هم

به‌خاطر زمان‌بندی اشتباهش منجر به خسارت می‌شود. فوتبال ایران پر از مصادیق این شکلی است، با این حال اگر بنا باشد از اطاله کلام بپرهیزیم و صرفاً به یک مثال متأخر بسنده کنیم، غائله آندره استراماچونی بهترین نمونه ممکن است. داستان این است که ۳سال پیش استراماچونی به‌دلیل عدم دریافت منظم مطالبات خود موفق شد قراردادش را به‌طور یک‌طرفه فسخ و کل دستمزد ۲سالش را مطالبه کند. حالا اینکه چرا دستمزد این مربی سر وقت پرداخت نشد تا این همه خسارت فنی و مالی به‌جا بماند، خودش یک داستان بر غصه دیگر است. با این حال اگر همان زمان طرح شکایات هم کل پول استراماچونی به‌حساب او واریز می‌شد، باز استقلال از نظر مالی جلو می‌افتاد، چرا که با توجه به نوسانات ارزی، این پول حالا تقریباً ۴برابر شده و به ۱۰۰میلیارد تومان رسیده است. نتیجه استقلال از آسیاوت شد و حالا باید همان مبلغ (البته اگر بیشتر نشود) را بپردازد تا گرفتار کسر امتیاز و سایر جرایم نشود.

یک بام و دو هوا

ماجرای از اواخر دولت دوازدهم آغاز شده؛ زمانی که وزارت ارشاد عملاً از نظارت بر عملکرد پلتفرم‌ها و سریال‌های شبکه نمایش خانگی کناره‌گیری کرد و کار به صدواسیماسپرد شد. به این ترتیب، ساترا به‌عنوان متولی ماجرا به‌میدان آمد اما موضوع به همین سادگی‌ها نبود. اختلاف‌نظرها درباره عملکرد ساترا و نظارت‌ها و ممیزی‌ها انبوهی از حاشیه را به‌وجود آورد. به شکلی که سال گذشته در مهمانی افطاری رئیس‌جمهور با هنرمندان، برخی از سینماگران از رئیسی خواستند نظارت بر سریال‌های نمایش خانگی از ساختمان جام جم به ساختمان میدان بهارستان بازگردد. امر واضح اختلاف‌نظر میان وزارت ارشاد و سازمان صدواسیما درباره فعالیت پلتفرم‌ها بود؛ از سازمان سینمایی هم خبر می‌رسید که مدیران سینمایی دولت سیزدهم بی‌میل به بازگشت اختیارات نمایش خانگی نیستند. چنین موضوعی البته نه خیلی علنی شد و نه کار به رودررویی آشکار رسید. از همان ابتدا بنا بر تعامل و گفت‌وگو گذاشته شد. در پاییز ۱۴۰۱ سعید مقیسه، رئیس ساترا از تعام میان ارشاد و ساترا خبر داد و گفت: «ما تقاضا کردیم دوستان وزارت ارشاد نمایندند رسمی در شورا‌های ساترا داشته باشند و خود وجود این نمایندگان به نزدیک‌شدن رویکرد نمایش خانگی در وزارت ارشاد و ساترا کمک می‌کند.» با این همه مشکل بلا تکلیفی کاملاً حل نشد و پلتفرم‌ها گویی در یک بام با دو هوای جداگانه مواجه بودند. این بلا تکلیفی باعث شد برنامه‌ای در یک پلتفرم بدون نظارت منتشر شود و بعداً ساترا نسبت به پخش آن واکنش نشان دهد یا برخی از اصلاحات ساترا در مورد برخی سریال‌های شبکه نمایش خانگی اعمال نشود. در ماه‌های اخیر اختلاف میان پلتفرم‌ها و ساترا به اوج رسید که حاصلش دوقطبی‌ای بود که سریال‌های تلویزیون را در یک طرف ترازو و سریال‌های شبکه نمایش خانگی را در طرف دیگرش قرار می‌داد. در نهایت تفاهم ارشاد و ساترا در روزهای اخیر شکل جدی‌تری به خود گرفت و حالا همه‌امیدوارند پلتفرم‌ها از این بلا تکلیفی خلاص شوند.

بی‌تصمیمی در حوزه فیلترینگ

«فیلترینگ» از موضوع‌های پربحث سال‌های اخیر در کشور بوده که تاکنون مباحث مختلفی پیرامون ضرورت‌ها، مزایا و البته تهدیدها و آسیب‌های آن، از سوی کارشناسان و مسئولان صورت گرفته، اما همچنان بی‌تصمیمی در این عرصه، ابهام‌های بسیاری را پدید آورده‌است. مدیریت راهبردی فضای مجازی باهدف جلوگیری از آسیب‌های چندگانه آن، از توصیه‌های اکید رهبر معظم انقلاب طی سال‌های اخیر بوده، اما با وجود گذشت حدود ۱۴سال (۱۳۸۸) از طرح مباحث راهبردی درباره آسیب‌ها و خطرات فضای مجازی بدون نظرات اصولی، به‌ویژه در حوزه امنیت ملی، همچنان شاهد ابهام‌های زیادی در حوزه مدیریت فضای مجازی، سازمان‌های متولی، تقویت پلتفرم‌های داخلی، مدت‌زمان فیلترینگ و... هستیم. کارشناسان و فعالان این حوزه معتقدند بی‌تصمیمی در این عرصه، آسیب‌هایی به‌مراتب بیشتر از فیلترینگ به‌همراه خواهد داشت. در شرایطی که از سال ۱۳۸۸ و به‌دنبال تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان، «کار گروه تعیین مصادیق مجرمانه» تشکیل و موضوع فیلتر کردن وبگاه‌های مختلف از جمله وظایف این کار گروه تعریف شد، اما به‌نظر می‌رسد موازی‌کاری‌ها در این عرصه همچنان ادامه دارد. یکی از مهم‌ترین نمودهای بی‌تصمیمی در این عرصه، بی‌سرانجام ماندن طرح «نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی» موسوم به «طرح صیانت» است. پس از طرح انتقادهای صریح از سوی رهبر معظم انقلاب درباره مدیریت فضای مجازی طی سخنرانی توده زنده‌تلویزیونی در نخستین روز سال ۱۴۰۰، طرح صیانت از کاربران فضای مجازی از سوی تعدادی از نمایندگان مطرح و در مردادماه همان سال در کمیسیون مربوطه تصویب شد. به‌دنبال آن، در اسفندماه ۱۴۰۰ نیز کلیات طرح در مجلس به‌تصویب رسید، اما این تصویب به‌دلیل ایرادهای شکلی از سوی هیأت رئیسه مجلس لغو شد. در ادامه بررسی این طرح به کمیسیون مشترکی در مجلس واگذار شد. در این میان اما کشف‌وقوس‌ها درباره این طرح همچنان در مجلس یازدهم ادامه دارد و هنوز سرانجام روشنی نیافته‌است.